

ارغونی ها

در

تاریخ افغانستان

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

بعد از ظهور چنگیز و قیام مغل اولاد و احفاد خان مغلی بر حصه ئی از خاک های آسیائی متولی شدند و در این گوشه ئی که ما و همسایگان ما زندگانی داریم، سلاله های خورد و بزرگ به سلطنت رسیدند که در آن میان سلسله های «چغتائی» و «ایلخانی» بیشتر معروف اند. مقر یکی در ماورالنهر و مرکز دیگری در خاک های ایران بود و هر دو سلاله بجای خود در خاک های افغانستان امروزی نفوذ و حاکمیت داشتند ولی نفوذ چغتائی ها بیشتر و دامنه دارتر بود و یک عده حکمرانان آنها با داشتن مقام «امارت» خصوصاً در حصص شرقی در شمال و جنوب هندوکش حکمرانی نموده اند.

در میان احفاد چنگیزی یک نفر هم «ارغون» نام داشت که خودش در تاریخ افغانستان بصورت مستقیم یا غیر مستقیم دخالتی ندارد و اولاد و آل و تبار او هم عموماً در ماورالنهر میزیستند ولی برخی از اولاد او در یک موقع معین تاریخی که عبارت از دوره سلطنت سلطان حسین میرزا پادشاه تیموری هرات و ظهور ظهیرالدین محمد بابر باشد، در یک حصه بزرگ خراسان از سیستان تا کابل امارت و حکمرانی داشتند.

ارغون قراریکه گفتیم یکی از احفاد چنگیز خان بود. سلسله نسب او بعد از ابقا خان و هلاکو خان و تولیخان به خان بزرگ مغلی میرسد. وی در ۶۸۳ هجری قمری به خاک های عراق عرب و عراق عجم به پادشاهی رسید و در حالیکه مرکزش بغداد بود، بر خاک های فارس هم تسلط داشت ولی بیش از ۷ سال سلطنتش دوام نکرد.

در میان احفاد و ایل ارغون امرا و خوانین بزرگ و مقتدری گذشته که وقت بوقت در تاریخ عصر بعد از چنگیز در نقاط مختلف، بیشتر در ماورالنهر به نام های آنها برمیخوریم. ایل ارغون در دوره حیات تیمور مقام و موقعیتی داشتند ولی در دوره ئی که تیموری ها در هرات بنای سلطنت را گذاشتند، مقام و موقعیت خویش را از دست داده بودند و در حال پریشانی در پاردریا میزیستند. سلطان حسین میرزا پادشاه مقتدر تیموریان هرات به یکی از خوانین ایل ارغون که ذوالنون ارغون نام داشت، لطف فرموده وی را با آل و تبارش به هرات خواست و ایالت قندهار را به او تفویض نمود.

ذوالنون ارغون مرد جاه طلب، زیرک، خوش آمدگو و هنگامه طلب بود. چون ملاحظه کرد که پادشاه تیموری هرات پیر و سالخورده شده، فوری در صدد مطالعه اوضاع خاندان سلطنتی برآمد و برای اینکه پیوندی با خاندان پادشاهی داشته باشد، یکی از پسران پادشاه سالخورده هرات بدیع الزمان میرزا را زیر نظر کرد و دختر خویش رابه وی داد و در اغوای وی کوشید و بدین ترتیب خود را به دودمان تیموریان هرات منسوب ساخت. از قرابت به خاندان شاهی به نفوذ خود افزوده و قدرت خویش را در علاقه هائی که به وی تفویض شده بود، منبسط ساخت. ذوالنون ارغون دو پسر داشت یکی «شاه بیگ» و دیگری «مقیم». اولی را به قندهار حاکم ساخت و دومی را به کابل اعزام نمود و بدین ترتیب در حالیکه خودش از قندهار بر تمام علاقه وسیع جنوب نظارت میکرد، فرزندان او بر کابل و قندهار امارت داشتند و در موقعیکه نفوذ دولت تیموری هرات با ضعف پیری و کهولت سن سلطان حسین میرزا رو به سقوط بود، ارغونی ها از لطف شاه استفاده نموده تقریباً در نیمه قلمرو سلطنت تیموریان هرات نفوذ خویش را بصورت مطلق توسعه بخشیدند.

کابل بعد از اینکه مدتی بدست الغ بیگ پسر سلطان ابوسعید میرزا اداره میشد و مرکز امارت و پادشاهی جداگانه ئی بود، بعد از فوت الغ بیگ بدست پسرش عبدالرزاق افتاد و چون نامبرده اهلیت و کفایتی نداشت مطمع نظر ارغونیان واقع شده و به نهجی که گفتیم «مقیم ارغون» با پشتیبانی پدر آنجا را متصرف شد.

شبه ئی نیست که ارغونی ها چه در قندهار و سیستان و چه در کابل و مضافات آن همه جا مطیع دولت تیموری بودند و همه جا خطبه بنام سلطان حسین میرزا پادشاه تیموری هرات خوانده میشد ولی جاه طلبی و خود خواهی ارغونی ها یکطرف و ضعف و نفاقت سلطان حسین میرزا از طرف دیگر باعث شد که ارغونی ها خویش را مالک الرقاب خاک های مفوضه خود بدانند. بهرحال چه قندهار و چه کابل همه تحت اداره ارغونی ها بود که ظهیرالدین محمد بابر ظهور کرد و از فرغانه کنار دیوارهای بالاحصار کابل رسید. مقیم ارغون از ۹۰۸ باینطرف بر کابل امارت داشت و بدین ترتیب دو سالی بیش امارت نکرده بود که بابر فرا رسید و بالاحصار را در محاصره گرفت. بابر از سمت شرقی حصار از راه دروازه «چرمگران» که یکی از دروازه های شرقی بالاحصار بود بر مقیم ارغون و کسان او حمله کرد که شرح آن در تزک بابری آمده است.

بابر شخصاً در ین گیر و دار شامل بود و چون نمیخواست که مقیم کشته شود، کوشش زیاد بعمل آورد تا ارگ کابل بدون کشته شدن مقیم مفتوح شود. حقیقت امر این است که مقیم ارغون بعد از چند روز تحمل محاصره امان خواست و در روزهای اخیر ماه ربیع الاول سال ۸۱۰ هجری قمری تسلیم شد و از قلعه ارگ بالاحصار کابل برآمد. به امر بابر او را با مال و اسباب و بستگانش چندی در «تیبه» جای دادند و سپس به قندهار نزد برادرش شاه بیگ ارغون فرستادند ولی بابر قندهار را هم از شاه بیگ ارغون متصرف شد و با توسعه نفوذ بابر در کابل، قندهار و سائر نقاط، ارغونی ها خویش را بطرف حوزه سند کشیدند. برخی از احفاد ذوالنون ارغون مانند «جام فیروز» و «میرزا شاه حسین» بر سند و ملتان مدتی حکومت کردند و اولاده اینها تا زمانه های همایون پسر بابر در آن حدود کم و بیش نفوذ و آمریت داشتند و به تدریج نفوذ و قدرت ارغونی ها از هیچ اوج گرفته و در هیچ ناپدید شد. /۱۷ ثور ۱۳۳۷/